



صفحه ۴ ضمیمه نوجوان روزنامه شماره ۵۶۴
www.qudsonline.ir

دوشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶ | ۹ جمادی الثانی ۱۴۳۹ | ۲۶ فوریه ۲۰۱۸



مروری بر آثار اعضای
انجمن ادبی مهتاب

شوب



لایحه‌ای که پس از
هشت سال تکلیفش
روشن می‌شود

حمایت از کودکان
در دست مجلسی‌ها



راه‌های عملی برای آن که حال طبیعت بهتر باشد

رفیق فابریک طبیعت

واقعاً کسی هست که
از درختان یک درخت
تک‌نفره در بهار به بهار
تا بهار و بهار درخت
بزرگ درخت در بهار
درخت نبرد؟

واقعاً کسی هست که
کلاس می‌نویسد و بهار
و بهار و بهار درخت
واقعاً طرح لبخند

واقعاً دوست کردار که بعضی
کارها در دنیا بازی‌های
دوست‌ترین این بازی‌ها
دوست‌ترین این بازی‌ها
است

راه‌های عملی برای آن که حال طبیعت بهتر باشد

رفیق فابریک طبیعت

تکتم دره‌گی | حتماً دقت کرده‌اید که بعضی کارها در دنیا بازی‌های دوسر برد هستند، یکی از مهم‌ترین این بازی‌ها دوست شدن با طبیعت است. نتیجه دوستی با طبیعت هم حال خوبی است که نصیب خودتان می‌کنید، هم حال اساسی‌ای است که به طبیعت می‌دهید؛ البته در این ماجرا به عده دیگری هم لطف کرده‌اید، به همه آدم‌هایی که روی زمین زندگی می‌کنند و در استفاده از طبیعت با هم شریک هستید و حتی لطف شما شامل حال آدم‌های نسل‌های بعد هم می‌شود، آن‌هایی که شما را نخواهند دید، ولی نظرشان در مورد شما بنا بر سرمایه‌ای است که به‌جا خواهید گذاشت. برای همه این خوبی‌ها خوب است به فکر راه‌هایی باشیم که این همه لذت و نشاط را یکجا ببریم. به دنبال پیشنهادهایی باشیم که مزه شیرین یک بازی دوسر برد را زیر زبانمان بیاورد. ممکن است قبل از این هم به برخی از این راه‌حل‌ها فکر کرده‌اید و بعضی از آن‌ها برایتان تکراری باشد، ولی خب دوباره مرور کردن آن‌ها باعث می‌شود انگیزه‌مان برای حرکت کردن بیشتر شود و تصمیمات جدی‌تری بگیریم.

خودتان را سفیر طبیعت بدانید

یکی از کمترین کارهایی که در قبال زمین و موجودات زنده دیگر می‌توانیم انجام بدهیم این است که حواسمان را بیشتر جمع کنیم و هر وقت قصد داریم زباله‌ای را بیرون بریزیم یکبار دیگر آن را نگاه کنیم، زباله‌هایی را که تجزیه نخواهند شد در طبیعت رها نکنیم. جمع کردن این زباله‌ها کار سختی نیست و با همراه داشتن یک کیسه به‌راحتی انجام می‌شود. حتی اگر سایر اعضای خانواده حواسشان به این موضوع نیست، شما خود را سفیر طبیعت در خانواده بدانید و هر وقت وسایل یک طبیعت‌گردی هر چند کوچک را آماده می‌کنید حواستان به برداشتن کیسه‌های مناسب برای جمع‌آوری زباله‌ها باشد. کار دیگری که در همین راستا می‌شود انجام داد تفکیک کردن زباله‌هاست. ممکن است تابه‌حال در خانواده شما به هر دلیلی به این موضوع کمتر توجه شده باشد، ولی حالا که تصمیم گرفته‌اید با طبیعت بیش از قبل دوست شوید، فکری برای تفکیک زباله‌ها کنید. تفکیک نکردن زباله‌ها کوه بزرگی از آن‌ها را تشکیل می‌دهد که تا سال‌ها باید بر پیکر زمین و طبیعت سنگینی کند و این میراث ما برای نسل‌های بعد می‌شود.



هرچقدر درخت بکاریم کم است

واقعاً کسی هست که از دیدن یک درخت شکوفه‌زده در بهار به هیجان نیاید؟ از نگاه کردن به سبزی درخت در تابستان لذت نبرد؟ به نظر شما کسی پیدا می‌شود که زرد و قرمزی برگ‌های پاییزی را نگاه کند و بی‌تفاوت بگذرد؟ اصلاً همین سه ماه زمستان که درخت‌ها دیگر هیچ برگ و باری ندارند بازهم قشنگ‌اند بازهم جای خوبی برای نشستن برف هستند و می‌دانیم حالا که ساکت شده‌اند دارند برای بهار آماده می‌شوند و کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. هرچقدر درخت بکاریم کم است. در روزهای نزدیک به بهار نهال‌های رایگان را در شهر می‌توانید از مراکز وابسته به شهرداری دریافت کنید. درخت بکارید و حین کاشتن با او صحبت کنید، به او سفارش کنید که سایه‌اش برای همه است، بگویید تا وقتی ریشه‌هایت قوی نشده است بلندپروازی نکن و شاخ و برگ اضافی اطراف خود درست نکن، تازه اول و به‌محض این‌که نهال را در دست گرفتید می‌توانید یک اسم هیجان‌انگیز هم برای او بگذارید. کاشتن درخت یک باقیات‌الصالحات است؛ یعنی بعد از مرگ هم اجر و پاداش استفاده از آن به کسی که آن را کاشته می‌رسد، پس هر درختی را می‌توانید به نیت چند نفر از کسانی که دوستشان دارید بکارید.

اتوبوس به جای خودروی شخصی

درست است که هنوز به سن قانونی برای رانندگی نرسیده‌ایم، ولی خیلی وقت‌ها والدینمان به خاطر کار و کلاس‌های ما خودرو را به خیابان می‌آورند. خوب است در این مواقع به آن‌ها پیشنهاد استفاده از اتوبوس را داده و بگویید ترجیح می‌دهم با مترو و اتوبوس بروم. باور کنید از این همه مهربانی اشک در چشمان طبیعت حلقه خواهد زد و با عاشقانه‌ترین نگاه‌ها شما را بدرقه می‌کند. آخر چه چیزی بهتر از این که نفس‌هایش را به شماره نمی‌اندازید و دود به حلق او نمی‌فرستید، طبیعت حتماً قدر مهربانی شما را خواهد دانست.

امدادگر طبیعت باشیم

وقت‌هایی هم هست که لازم می‌شود دست‌به‌کار شده و حال طبیعت را از وخامت خارج کنیم؛ مثلاً دستکش دستان کنیم و زباله‌های اطراف رودخانه‌ای را به کمک رفقای خوبمان جمع‌آوری کنیم، با این کار نقش امدادگر را برای طبیعت دارید و می‌توانید اصلاً گروهی خودجوش باشید و هرچند وقت یک‌بار این کار را تکرار کنید. در خیلی از نقاط کشور چنین گروه‌هایی وجود دارد، ولی با توجه به حجم زباله‌های رهاشده در طبیعت هم‌چنان به این حرکت‌های گروهی خوب و مفید نیاز است.



خط قرمزها کجاست؟

قبل از این گفتیم که تا می‌توانید درخت و گیاه بکارید. حفظ کردن گل و گیاه‌ها هم مهم هستند. تلاش کنیم که باعث‌وبانی نابودی هیچ گل و گیاهی نشویم؛ البته هرکس به‌اندازه خودش ممکن است در صدمه زدن به گل و گیاه‌ها سهیم باشد، یکی با قطع درختان و دیگری که ما باشیم با لگد کردن چمن‌ها، یادگاری نوشتن روی درخت و... بعدازاین تصمیم بگیریم بیشتر از قبل هوای سبزینه‌های اطرافمان را داشته باشیم.



قمقمه به جای بطری آب‌معدنی

برخی چیزهایی که ما به آن عادت کرده‌ایم اصلاً عادت‌های خوبی نیست و اصلاً هم نشان‌دهنده پاستوریزه یا شیک و مجلسی بودن نیست. باید هرچه زودتر فکری برای این عادت‌های نادرستمان بکنیم و با جایگزین‌های مناسب زودتر خودمان را تغییر دهیم. اتفاقاً روزهای نزدیک به سال جدید برای برخی از این عادت‌ها فرصت خیلی خوبی است. عادت اول این است که هر وقت تشنه می‌شویم، به اولین سوپرمارکت که برسیم یک بطری آب‌معدنی می‌خریم. ظاهر این کار هیچ اشکالی ندارد، ولی وقتی به حجم بطری‌های تجزیه‌ناپذیری که تولید می‌شود فکر کنیم به اشکالات زیاد آن پی خواهیم برد. جایگزین آن می‌تواند یک قمقمه خوشگل و دوست‌داشتنی باشد که حسایی هم به دل بنشیند و آن را عضو ثابت کیفمان کنیم. عادت دیگر این است که هر وقت به آب‌سردکن می‌رسیم باید لیوان‌های یک‌بارمصرف را ببینیم و اگر نباشد به حساب کم‌کاری و بی‌حواسی مسئولان آن خواهیم گذاشت. درحالی‌که با هر بار آب خوردن و بیرون ریختن یک لیوان یک‌بارمصرف کلی حال طبیعت را می‌گیریم. جایگزین آن می‌تواند لیوان کوچکی باشد که همراهمان داریم. آخرین عادت هم گرفتن و انبار کردن کیسه‌های پلاستیکی است. اگر در یک ساعت از سه فروشگاه مختلف خرید می‌کنیم به همان تعداد کیسه‌های پلاستیکی می‌گیریم و اصلاً به سرانجام این کیسه‌ها فکر نمی‌کنیم. خیلی وقت‌ها کیف همراهمان هست و چیزی که خریده‌ایم حجم زیادی نداشته و به‌راحتی در کیفمان قرار می‌گیرد. حتی اگر این راه هم جایگزین خوبی نباشد، می‌توانیم یک کیسه پارچه‌ای داشته باشیم و همیشه با همان کیسه به خرید برویم.



ترو سناک تر از حمله موجودات فضایی و هیولای خ...

فاطمه نیک | تصور کنید که گزارشگری سراغ شما آمده و ازتان می پرسد توی زندگی از چه چیزی خیلی برایتان بيفتد؟ یا این که چه بلایی را اصلاً و ابداً دوست ندارید تجربه کنید؟ جوانان چه خواهد بود؟۱۲ مسکه دوباره دایناسورها نام ببرید، اما خیلی بعید است که در جواب این سؤال‌ها به جنگ برای آب و خشکسالی انا می‌توانید زندگی بدون آب را تصور کنید یا نه؟ ولی با کمال تأسف باید خدمت‌تان عرض کنیم که پاکستان آینده ما را تهدید می‌کند نه حمله موجودات فضایی است و نه زنده شدن موجودات ماقبل تاریخ! بلکه بحران می‌کند.



تیتري که تکرار می‌شود

از وقتی ما و شما دست چپ و راستمان را شناخته‌ایم هرچند ماه یکبار خبری در مورد بحران آب در رسانه‌ها منتشر شده و ما هم چیزکی درباره‌اش می‌شنویم. در این‌جور مواقع معمولاً نگاهی به چپ و راستمان کرده و آب دهنمان را قورت داده و با خودمان فکر می‌کنیم که چقدر تشنه هستیم به همین خاطر جستی می‌زنیم دم در یخچال و بطری آب را برداشته و در یک حرکت تا ته سر می‌کشیم بعد هم بطری را روی کابینت رها کرده و بی خیال آب و بحران آب به اتاقمان برمی‌گردیم و اگر در این میان مادرمان خانه‌دار باشد ممکن است تذکری درباره بطری یا در یخچال دریافت کنیم، اما کمترین هشدار در مورد بحران آب نخواهیم شنید و همه‌چیز فراموش می‌شود تا دوباره رسانه‌ها چیزی درباره بحران آب و بی‌آبی تیتتر بزنند.

ماجرا مهم‌تر

شاید بیشتر ما به تیتترهای جورواجور رسانه‌ها در مورد حوادث وقت می‌گذاریم، برای تیتتری در مورد بحران آب هم کمی بیشتر ولی ماجرای بی‌آبی در ایران خیلی مهم‌تر از چند تیتتر در رسانه آینده من و شما را سیاه کرده و نه‌تنها بیابان‌نشینان کند که برود توی دارودسته کشورهای خشک و بی‌آب‌وعلف! اگر باور ندا شده است، توجه کنید. آن‌طور که در رسانه‌ها آمده است «حدود ۶۰ میلیون نفر در ۶۰ کشور دنیا، دچار بحران تشنگی است. تحلیلی که هنوز نه‌تنها درباره‌اش خیلی نشنیده‌ایم بلکه چ

به گفته کارشناسان کاهش موجودات آب‌براک هر نفر در سال به کمتر از ۱۰۰۰ مترمکعب نشان می‌دهد

کارگاه شعر «هشت»

قافیه زنگ شعر است

مهدی آخرتی | درودی می‌فرستم به دوستان عزیزم، حال و احوالتان چطور است؟ این روزهای زمستانی که شکر خدا برف زیادی هم در بیشتر مناطق ایران باریده است، لطفاً بیشتر از خودتان مراقبت کنید که خدایی نکرده گرفتار سرماخوردگی نشوید. و از هوای زمستانی و برفی و بارانی برای شعر گفتن بهره ببرید. هفته پیش صحبت‌هایی درباره قافیه در شعر نیمایی کردیم، نیما به قافیه «زنگ مطلب» می‌گفت، به نظر او قافیه، رکن مهمی در شعر نیمایی بود، اما همان‌طور که گفتم، در شعر نیمایی ممکن است قافیه آورده نشود و شاعر بدون قافیه شعر را تمام کند. بعد از نیما، شاگردان او هم در استفاده از قافیه تقریباً راه نیما را در پیش گرفتند. اما در شعر بی‌وزن یا «سپید»، قافیه شکل دیگری دارد که امروز در این مورد صحبت خواهیم کرد. اگر آماده‌اید، بدون معطلی سراغ بحث اصلی می‌روم.



لایحه‌ای که پس از هشت سال تکلیفش روشن می‌شود

حمایت از کودکان در دست مجلسی‌ها

تصویب کنیم و دست از این لایحه‌بازی‌ها برداریم، اما موافقان این لایحه می‌گویند که در قانون ما کمبودهای زیادی در مورد حمایت از کودکان وجود دارد و به خاطر همین کمبودها در مقابل والدینی که کودکان خود را آزار و اذیت می‌کنند تقریباً کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم و اتفاقاً تصویب این لایحه خیلی هم واجب است، چون با وجود قانون دیگر لازم نیست کسی شکایت کند و به‌عنوان مجرم می‌توان با این افراد برخورد کرد. از طرف دیگر موافقان این طرح می‌گویند به‌جای برخورد احساسی با این مسئله و پخش آن در فضای مجازی و فراموش کردن کودکان آسیب‌دیده پس از مدتی کوتاه بهتر است به حمایت کودکان از جنبه قانونی نگاه کرد، چون وقتی قانون وجود داشته باشد، هر فردی می‌تواند به‌عنوان یک شهروند مقابل کودکان آزاری بایستد.

مسئولیت اجتماعی مؤثر تر از قانون

از طرف دیگر مسئولاتی هستند که می‌گویند تنها از دست قانون کاری بر نمی‌آید و با تعیین مجازات سنگین به‌تنهایی نمی‌توان با معضلاتی مانند کودکان آزاری برخورد کرد بلکه باید در مورد مسائل اجتماعی فرهنگ‌سازی کرد و با آموزش و اطلاع‌رسانی ناهنجارها را اصلاح کرد، هم‌چنین آن‌ها از افزایش مسئولیت اجتماعی صحبت می‌کنند و می‌گویند با افزایش مسئولیت اجتماعی در مردم در این‌گونه جرم‌ها زودتر به نتیجه می‌رسیم. به گفته این افراد ۸۰ تا ۹۰ درصد از کودکان آزاری‌ها در جامعه خفیف است و دیده نمی‌شود و می‌توان با گفت‌وگو و آموزش نهنج‌سازی کرد و مسائل را برطرف کرد. کاری که بیشتر از این که کار قانون باشد کار نهادهای اجتماعی و کمپین‌ها است. در مقابل عده‌ای هم می‌گویند رفتن این راه سال‌های زیادی طول می‌کشد و در این میان کودکان بسیاری وجود دارند که در شرایط سختی زندگی می‌کنند و همین حالا به کمک فوری احتیاج دارند.

تکلیف ما بچه‌ها چیست؟

درست است نائبرئیس فراکسیون زنان مجلس در دفاع از این لایحه گفته است که دارند به‌جای ما کودکان که صدایی برای مطالبه و خواست خویش نداریم تلاش می‌کنند، اما ما ضمن تشکر از ایشان خدمت شما عرض می‌کنیم که اصلاً و ابداً این بی‌صدایی خوب نیست و ما کودکان این دوره و زمانه نباید در حد یک هویج با مشکلات خودمان برخورد کنیم و به‌خصوص که بیشتر از بعضی بزرگ‌ترها به فضای مجازی دسترسی داریم و می‌توانیم صدا و درخواستمان را به گوش مسئولان برسانیم، فقط کافی است در کنار پیگیری بازی‌های رایانه‌ای و اخبار لیگ‌های فوتبال ایرانی و خارجی کمی هم نسبت به سرنوشت و حقوق خودمان حساس باشیم و با پیگیری مسائلی از این دست سردر بیاوریم که چه خبر است و چه حق‌حقوقی در قانون برای ما دیده شده است و در چه جاهایی احتیاج به کمک و تجدیدنظر داریم و آن‌وقت با یادگرفتن راه‌های مدنی صدایمان را به گوش مسئولان برسانیم.

نائبرئیس فراکسیون زنان مجلس از احتمال رفتن لایحه «حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان» در هفته اول اسفند به صحن علنی مجلس خبر داد.

لایحه‌هایی که روی هوا مانده است

آن‌طور که در رسانه‌ها آمده است لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با هدف حمایت از افراد زیر ۱۸ سال و پیشگیری از جرم و جنایت علیه ما کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۱ به مجلس شورای اسلامی برای بررسی از سوی دولت ارائه شد؛ البته ماجرای این لایحه از سال ۱۳۸۸ شروع شده و رفت‌وبرگشت‌های آن بین مجلس و قوه قضاییه از آن موقع تا حالا ادامه دارد و به همین خاطر تکلیف آن هم‌چنان مشخص نشده است، اما براساس گفته‌های نائبرئیس فراکسیون زنان مجلس، این فراکسیون خودشان را جای بچه‌های بی‌پناه گذاشته و تصمیم گرفته‌اند به‌جای کودکانی که توان دفاع از خودشان را ندارند، تصویب حمایت را با جدیت پیگیری کنند و امیدوارند این پیگیری‌ها نتیجه داده و این هفته لایحه در صحن علنی مجلس ارائه شود و پس‌از آن با گرفتن امضای نمایندگان، این لایحه را در اولویت‌های بررسی و با قید دوفوریت در صحن علنی برای تصویب قرار دهند.

این لایحه قرار است چه کار کند؟

عرض شود خدمت‌تان این لایحه که ما داریم در موردش حرف می‌زنیم مجموعه‌ای از قوانینی است که قرار است به کمک ما برویج آمده و در برابر مواردی مانند کودکان آزاری از ما دفاع کنند؛ البته تنها موضوع کودکان آزاری که این روزها یکی از بحث‌های داغ جامعه هم است، در این قوانین دیده نشده است و قانون‌گذاران و حقوق‌دانان به موضوع‌های دیگری مثل حق سرپرستی، فرار از خانه، زندانی بودن والدین، خشونت مستمر که به زبان ما می‌شود خشونت که از گذشته بوده و در آینده هم احتمال ادامه‌اش وجود دارد، عدم ثبت ولادت که معنی‌اش نگرفتن شناسنامه برای بچه است، رفتار بد، سوءاستفاده از بچه‌ها و بیگاری کشیدن از آن‌ها، نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، جلوگیری از تحصیل آن‌ها، خریدوفروش کودکان و فعالیت مجرمانه به‌وسیله کودک توجه کرده‌اند. هم‌چنین در این لایحه پیش‌بینی شده است که کودکان هم می‌توانند اعلام شکایت کنند و والدینی که مرتکب جرم کودکان آزاری می‌شوند از سرپرستی کودک خود محروم خواهند شد و در صورت بدسرپرستی والدین، کودک از خانواده جدا شده و به مقامات قضایی واگذار شود.

چرا به این لایحه احتیاج داریم؟

شاید با توجه به خبرهایی که در این چند ماه گذشته در مورد کودکان آزاری یا کودکان بدسرپرست شنیده‌اید با خودتان بگویید که خب چرا مجلسی‌ها هرچه زودتر بررسی‌هایشان را تمام نمی‌کنند و این لایحه را امضا نمی‌زنند، اما مجلسی‌ها هم برای خودشان حرف‌وحیدی ندارند و می‌گویند که خیلی هم موارد آمده در این لایحه جدید نیست و اگر این‌همه بند و قانون و تبصره برای توجه به کودکان آزاری و بالا بردن مجازات این جرم است، خوب فقط یک قانون در همین مورد



به گفته کارشناسان کاهش موجودی آب برای هر نفر در سال به کمتر از ۱۰۰۰ مترمکعب نشانه بحران جدی آب است. سال ۱۴۰۰ سرانه آب هر ایرانی به حدود ۱۰۰۰ مترمکعب می‌رسد و این یعنی شروع فاجعه‌ای بزرگ. باین‌حال هم‌چنان اعلام می‌شود که ۹۰ درصد آب در کشاورزی با کمترین نتیجه و بهره به هدر رفته و مجوز ساخت نیروگاه‌های سیکل تر کیبی، یعنی نیروگاه‌هایی که با منابع آبی برق تولید می‌کنند، نیز به‌عنوان قاتل منابع آب هم‌چنان صادر می‌شود

زنده شدن دایناسورها چی می‌تونه باشه؟

خشکسالی

می‌ترسید؟ یا این‌که فکر می‌کنید در آینده ممکن است چه اتفاق پدی من است در پاسخ از مواردی مانند حمله موجودات فضایی و زنده شدن باره کنید! نمی‌دانیم شما میانه‌تان با آب و کم آبی چطور است و اصلاً به سوالات بالا هرچه باشد فرقی نمی‌کند، چون آن‌چه بیشتر از همه آب و خشکسالی است که در انتظار ما نشسته و آینده‌مان را تهدید

بحران آب مهم‌ترین بحران زیست‌محیطی

آب و دانش آب نیستیم، اما لازم هم نیست خیلی توی این موضوع سررشته حرف کارشناسان را باور کنید که از بحران آب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تم‌محیطی آینده نام می‌برند و معتقدند که یکی از چالش‌های بزرگ آینده مت‌ها با بحران کمبود آب است؛ بحرانی سنگین که در جهان شلوغ‌وپلوغ ی برای گرفتن امتیازات از کشورهای تشنه تبدیل خواهد شد. شاید باورتان ن حالا که من و شما داریم احتمالاً این بحران را سبک و سنگین می‌کنیم ملیتی هستند که به دنبال سوءاستفاده از این بحران و تجاری کردن این ماده برای مثال بانک جهانی تا الان با اجرای طرح‌های آب، بیش از ۲۰میلیارد ی کرده است؛ معامله‌ای که به گفته کارشناسان یکی از تجارت‌های دندان گیر بودی به ارزش ۱۰۰۰میلیارد دلار را نصیب این سازمان خواهد کرد و در برابر بورهای تشنه و کم‌آب جهان خواهد شد.

از یک تیتراست

بخت‌تلف عادت کرده‌ایم و همان قدری که برای گم‌شدن جوراب یک سلبریتی یا کمتر وقت گذاشته و درنهایت چندتا لایک و بیگ لایک خرجش می‌کنیم هاست و یک‌تنه برای خودش یک بحران ملی است. بحرانی که می‌تواند وادارمان کند به‌جای هر چیز، برای خرید آب هزینه کنیم و کم‌کم اسم‌مان رید می‌توانید به اخباری که به‌تازگی در مورد بحران بی‌آبی در ایران منتشر د ۱۴۰ میلیون نفر در دنیای فعلی، گرفتار بحران آب هستند. تا سال ۲۰۲۵ و خشکسالی می‌شوند.» این خبر یکی از ده‌ها برآورد مؤسسات بین‌المللی نندان هم باورش نداریم و عمق ترسناک بودنش را درک نکرده‌ایم.

خطر ما را هم تهدید می‌کند

بچه درس‌خوان‌ها یا علاقه‌مندان به درس جغرافی می‌دانند که ما از قدیم هم خیلی توی وضعیت گل‌ولبلل از لحاظ آب و منابع آبی نبوده‌ایم و کشورمان در مناطق خشک و کم‌آب قرار گرفته است. قدیمی‌ها با ترفندهایی مثل کندن قنات یا کشاورزی دیم و روحیه قناعت‌پیشه‌ای که داشتند، از پس این شرایط برآمده و از آب مثل طلا نگهداری می‌کردند، اما در چند دهه گذشته تغییرات اقلیمی زمین به همراه تشدید خشکسالی ازیک‌طرف و خرابکاری‌های انسانی ما از طرف دیگر دست‌به‌دست هم داده و هم پنبه تدابیر گذشتگانمان را زده و هم همان یک‌کف‌دست منابع آبی را که داشته‌ایم به هدر داده است. به گفته کارشناسان، طرحی همچانی و بی‌مطالعه مانند ساخت سدها که حالا عملاً بلای جانمان شده است، استفاده از آب به شکل بی‌رویه با زدن چاه‌های عمیق در کشاورزی و صنعت مشکلی را پیش آورد که کمترین نتایجش برای ما نابودی چرخه حیات در طبیعت و کاهش جدی پوشش گیاهی و بارش بود.

فاجعه آبی نزدیک است

به گفته کارشناسان کاهش موجودی آب برای هر نفر در سال به کمتر از ۱۰۰۰ مترمکعب نشانه بحران جدی آب است. سال ۱۴۰۰ سرانه آب هر ایرانی به حدود ۱۰۰۰ مترمکعب می‌رسد و این یعنی شروع فاجعه‌ای بزرگ. باین‌حال هم‌چنان اعلام می‌شود که ۹۰ درصد آب در کشاورزی با کمترین نتیجه و بهره به هدررفته و مجوز ساخت نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، یعنی نیروگاه‌هایی که با منابع آبی برق تولید می‌کنند، نیز به‌عنوان قاتل منابع آب هم‌چنان صادر می‌شود. متأسفانه همان‌طور که ما به خرابکاری‌هایمان ادامه می‌دهیم در آن‌طرف دنیا بنگاه‌های سودجویی مثل بانک جهانی به فکر درآمد خود هستند. آن‌طور که کارشناسان می‌گویند در آینده‌ای نه‌چندان دور، کشورهای کم‌آب برای به دست آوردن آن باید هر آن‌چه را که سازمان‌هایی مانند بانک جهانی می‌گوید، بپذیرند. این یعنی ظهور یک دیکتاتوری جدید! دیکتاتوری که خیلی شیک و خیرخواهانه و به نام صلح و کمک در پشت قوانین تجارت بین‌الملل، قربانیان بی‌تدبیر و بدون برنامه و البته تشنه خود را زیر سلطه خواهد گرفت. با این توضیحات هم‌چنان می‌توانید نسبت به بحران بی‌توجه باشید؟ به نظرتان چه باید کرد که نام ایران در ۱۰ سال آینده با جمعیت ۱۰۰ میلیون نفر و نیازمندی ۱۲میلیارد مترمکعب آب شیرین، در فهرست شصت کشور خشک دنیا دیده نشود؟!

ما کم‌درست اندر گرفت و داشت
کم نیستیم، اما لازم هم نیست
خارج توکم این موضوع
سرشته داشته باشید حرف
مک‌شناسان را بفر کنید

شاید بیشتر ما به تیتراهای جورا جورا رانیم
در مورد حوادث مختلف عادت کرده‌ایم و
همان‌قدر کم‌براک کم شدن جوراب
یک سلبریتی وقت مع نداریم، برای
تیتراک در مورد بحران آب هم کم‌بیشتر
یا کمتر وقت گذاشته در نهایت چندتا لایک و
یک لایک خرجش می‌کنیم ولی ما برای
بح آب در ایران خیلی معصم تر از چند تیترا
رسانه‌هاست و یک‌تنه برای خودش یک
بحران ملی است

موج نو، نه!

قبل از این‌که وارد بحث قافیه شوم، باید نکته کوچکی را یادآوری کنم؛ در ادبیات امروز به هر شعری که وزن نداشته باشد شعر سپید می‌گویند، اما این تقسیم‌بندی خیلی دقیق نیست. در ادبیات ما چند نوع شعر بی‌وزن وجود دارد که دو نوع آن بسیار مرسوم است و تفاوت‌هایی باهم دارند. یکی از آن‌ها را باید شعر سپید بنامیم و دیگر را «موج نو» نام‌گذاری کنیم. تفاوت این دو شعر در نوع موسیقی آن‌هاست. شعر سپید موسیقی قوی‌تر و بیشتری از موج نو دارد و حتماً باید در آن موسیقی را رعایت کنیم؛

صدا صدا صدا
نامت را بلند صدا می‌زنم در باغ
تا درختان
زودتر میوه دهند.

اما شعر موج نو ممکن است موسیقی قابل‌در کی نداشته باشد؛

از مدرسه که برمی‌گردم
سر راه دلم را در کوچه گم می‌کنم
اما به خانه که می‌رسم

در لبخند مادر بزرگ آن را پیدا می‌کنم.

به همین دلیل که شعر موج نو موسیقی کمتری دارد، رعایت قافیه در آن به‌اندازه شعر سپید مهم نیست، اما اگر شاعری در این نوع شعر هم قافیه را رعایت کرد، مشکلی نیست. مگر این‌که با آوردن قافیه کاری کند که شعر از یکدستی دربیاید و در کلمات ناهماهنگی ایجاد شود.

قافیه کلاسیک نیست!

آن‌قدر گفتیم «قافیه» که شاید تصور کرده باشید که قافیه در شعر سپید مثل قافیه در شعر کلاسیک است، اما هرگز این‌طور نیست، حتی قافیه در شعر سپید می‌تواند با قافیه در شعر نیمایی فرق‌های زیادی داشته باشد. در شعر کلاسیک کلماتی که با هم قافیه می‌شوند حتماً باید هم‌وزن باشند و حداقل در آخرشان دو حرف مشترک داشته باشند، وگرنه قافیه معیوب است، به مثال زیر دقت کنید؛

باید قدم می‌زد دلم در این خیابان‌ها
هم‌دوش باد خسته، زیر چتر باران‌ها
عمرم یاد و سنم از سی ذره‌ای کمتر
گردی نشسته بر سرم چون آسیابان‌ها
نوزاد با گریه می‌آید، مرگ با گریه
بیزارم از این دور، این آغاز و پایان‌ها

علامت جمع «ها» در این شعر ردیف است و آسیابان و پایان و باران و خیابان با هم قافیه هستند. اگر کلمه «مین» را در این شعر بیاوریم با این کلمات قافیه نمی‌شود، چون باید دو حرف آخرش با بقیه قافیه‌ها مشترک باشد؛ مثلاً کلمه «جان» با این کلمات قافیه می‌شود، اما در شعر سپید در اصل به کلماتی قافیه می‌گوییم که موسیقی نزدیک به هم داشته باشند و لازم نیست دقیقاً قافیه‌هایی شبیه شعر کلاسیک داشته باشد؛ یعنی «جناس‌ها» و «سجع‌ها» که قبلاً در موردشان حرف زده‌ایم و کلمات هم‌موسیقی دیگر در شعر سپید جزو قافیه محسوب می‌شوند؛

من مهر مهر تو را بر سینه دارم
یا رضا

در سقاخانه تو آرزو تقسیم می‌شود
و با صدای نقره‌هایت نسیم عاشق می‌شود.
اگر تو نوه محمد(ص) گل محمدی نیستی
چرا دانه در حرمت بوی گلاب می‌آید؟
کلمه‌های «مهر» و «مهر» در شعر کلاسیک قافیه نمی‌شوند، اما ما در شعر سپید آن‌ها را قافیه یا «هم‌موسیقی» به حساب می‌آوریم.

تمرین در خانه

برای تمرین در خانه، یک شعر سپید بگویید و در آن چند قافیه بیاورید، با این شرط که این قافیه‌ها فقط مربوط به شعر سپید باشند و در شعر کلاسیک با هم قافیه نشوند.
تا جلسه دیگر و کارگاه دیگر شما را به خداوند منان می‌سپارم؛
به پایان آمد این دفتر حکایت هم‌چنان باقی
به صد دفتر نشاید گفت رسم‌الحال مشتاقی

محل قافیه در شعر سپید

حالا که از قافیه شعر سپید گفتیم، باید بدانیم که کجا‌های این شعر قافیه استفاده می‌شود. در شعر کلاسیک پایان هر مصرع قافیه را می‌آوریم و باید حتماً در هر بیت شعر کلاسیک یک قافیه داشته باشیم، اما در شعر سپید درست مثل شعر نیمایی، لازم نیست که در هر بند یک قافیه داشته باشیم. در اصل قافیه در شعر سپید فقط و فقط برای افزایش موسیقی است و نقش دیگری ندارد؛ برای همین بسیاری از شاعران حتی این را نمی‌دانند که می‌شود در شعر سپید هم قافیه آورد! درضمن قافیه در شعر سپید مثل شعر کلاسیک و نیمایی، باید در انتهای جمله باشد. منظورم از انتهای جمله، قسمت‌های انتهایی جمله است، نه الزماً آخرین کلمه جمله. اگر کلمه‌ای در وسط جمله با یک کلمه دیگر هم‌موسیقی باشد، بهتر است به آن قافیه نگوییم.

راستی تا فراموش نکرده‌ام نکته دیگری هم بگویم؛ کلمه‌هایی که در شعر کلاسیک قافیه هستند، حتماً در شعر سپید هم قافیه می‌شوند؛

داری بر بال نسیم پرواز می‌کنی
خیال‌گونه در نیمروز روشن
روزت را با خنده خورشید آغاز می‌کنی
و شبت را با ستاره‌ها تقسیم می‌کنی.
ای صدای تو گذر شادی زمان!
ای سکوت تو لب‌دوختن تمام جهان!
پلکی بزن که ناقوس‌ها به صدا دربیانند
پلکی بزن تا برف به سمت آسمان برگردد
پلکی بزن و درخت را بهار کن

به رود ماهی عشق نثار کن
«پرواز» و «آغاز»، «جهان» و «زمان»، «بهار» و «نثار» در این شعر قافیه هستند و در شعر کلاسیک هم قافیه می‌شوند و فعل‌های «می‌کنی» و «کن» ردیف است، اما لزومی ندارد در مورد «ردیف» در شعر سپید حرفی بزنیم، چون ردیف در شعر سپید همان تکرار کلمه است که قبلاً در مورد آن به طور مفصل حرف زده‌ایم.

تمرین در خانه

برای تمرین در خانه، یک شعر سپید بگویید و در آن چند قافیه بیاورید، با این شرط که این قافیه‌ها فقط مربوط به شعر سپید باشند و در شعر کلاسیک با هم قافیه نشوند.
تا جلسه دیگر و کارگاه دیگر شما را به خداوند منان می‌سپارم؛
به پایان آمد این دفتر حکایت هم‌چنان باقی
به صد دفتر نشاید گفت رسم‌الحال مشتاقی
















